

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۳۱ می ۲۰۱۹

[التجاء]

زیارت آمدم در روضه ات مشکل گشا گفته
غریب و موسفیدم آمدم تا دست من گیری
یقین دادم شه مردانی و سرافسر اسلام
علاج درد بیدرمان ما در آستان تست
فقدام من از آن لرزیده در پیش نگاهت
مدینه می شمارم این مزار فیض آثارت
تو با کشف ولایت ذره ذره حال من دانی
به امیدی که این عرض و نیاز من قبول افتد
بکن در بحر پُر امواج گیتی دستگیری ام
شفا بخش تماماً دردهای دردمندانی
فقیرم عاجزم بی سرپناه و خانه بر دوشم
به دور تربتت گردیده ام حاجت روا گفته
کمر را بسته ام سویت شاه اولیا گفته
گرفتم حلقه در را علی المرتضا گفته
خداوند جهان از بهر هر دردی دوا گفته
ترا چون شیر درگاه در خود کبریا گفته
ترا چون لحمک لحمی محمد مصطفی گفته
اگر چه گفتنی ها دگر ماندست نا گفته
به چشم خود کشم خاکِ درت را توتیا گفته
گرفتم دامن را با تضرع نا خدا گفته
گرفتم خورده از خاکِ درت آب بقا گفته
حضورت عرض خود را عشقوری سر تا پا گفته